

خلاصه چند کتاب مهم منتشر شده در غرب

طرح دین آچسن ؛

نفت ایران مال انگلیسی ها، نفت عربستان مال آمریکایی ها و...

دو عامل، مخالفت شدید جورج کنان استاد تاریخ، نویسنده و دیپلمات آمریکایی بود. باید متذکر شویم که افکار "جرج کنان" سیاست بعد از جنگ آمریکا را شکل داده است و تعقیب همین سیاست به انحلال شوروی، شکست کمونیسم و ابرقدرت شدن آمریکا منجر شده است. "کنان" ضمن تاکید این نکته به ترومن (جانشین روزولت) که آرزوی روس ها از زمان پتر اول رسیدن به آب های گرم خلیج فارس بوده و در صورت تشکیل هیات امنای سه گانه؛ استالین، ایران، عراق و ترکیه را خواهد بلعید، وی را از وارد بحث شدن در این "قرار" که با روزولت گذارده شده بود، منصرف کرد.

عامل دوم، تعلل روس هادر تخلیه ایران از نظامیان خود پس از پایان یافتن جنگ بود که کار به اخطار آمریکا و طرح موضوع در شورای امنیت و نیز فریب روس ها توسط قوام السلطنه کشید. لازم به یادآوری است که انگلستان و روسیه، در اوایل قرن بیستم هم با میانجی گری فرانسه، عملاً ایران را میان خود به دو منطقه نفوذ قسمت کرده بودند.

پس از جنگ، استالین که رویای تسلط بر تنگه های ترکیه را در سر داشت، در بسیاری از کشورهای اروپا و ترکیه تا ایتالیا همه جا جنگ داخلی راه انداخته بود. به دلیل فقر عمومی و پیدایش یک طبقه ثروتمند که از رهگذر جنگ و تورم ناشی از آن پولدار شده بودند در همه کشورهای از جمله آمریکا، "کمونیسم" هواداران

"کتاب روی نوار ضبط صوت"، مرکب از ۱۶ نوار ۹۰ دقیقه ای تهیه کرده که به شماره استاندارد بین المللی 0-۲۴۵۵-۵۵۵-۹ ثبت و توزیع شده و هر دوره با اندکس نوارها ۶۴۰ دلار به فروش می رسد.

در این نوارها حقایق فراوانی درباره جنگ دوم، جنگ کره، پیروزی کمونیست هادر چین، جنگ هوشی مین با فرانسه، قرار گرفتن دلار به جای طلا، منظور از تاسیس بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، تشکیل سازمان پیمان آتلانتیک شمالی، "ناتو"، احیای آلمان و ژاپن و... وجود دارد و اما نکته جالب اینکه در همه این نوارها از ایران نام برده شده است، مخصوصاً نوارهای چهارم و پنجم و سیزدهم. فشرده ای از مطالبی را که در این سه نوار آمده است، در سطور آتی، مطالعه می فرمایید.

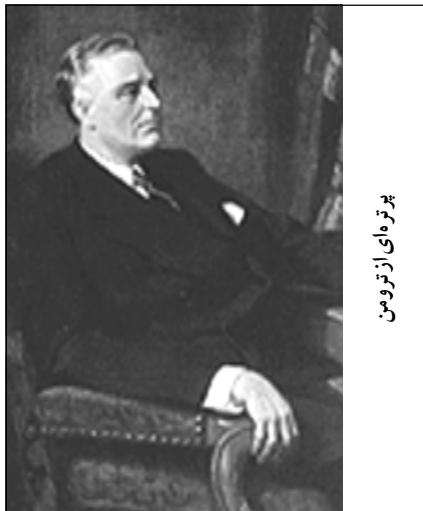
پس از اشغال نظامی ایران توسط روسیه، انگلستان و آمریکا در تابستان ۱۹۴۱ (شهریور ۱۳۲۰)، قرار بود که بعد از پایان جنگ جهانی، ضمن حفظ تمامیت ایران، یک هیات امنای مرکب از سه کشور مذکور، امور ایران را زیر نظر داشته باشد؛ نفت ایران در اختیار انگلستان، نفت عربستان سعودی در کنترل آمریکا و نفت عراق و نفت احتمالی کویت مشترکاً در اختیار شرکت های انگلیسی و آمریکایی باشد.

اما پس از جنگ، دو عامل باعث شد که ایران از قرار گرفتن زیر نظر هیات امنای سه گانه ببرد: یکی از این



دین آچسن با کلاه کابویی و هفت تیر

دین آچسن "Dean G. Acheson"، دولتمرد آمریکایی که در جریان جنگ جهانی دوم از دستیاران روزولت رییس جمهوری این کشور بود و از سال ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۳، در حساس ترین سال های قرن بیستم، وزارت خارجه آمریکا را بر عهده داشت و در سال ۱۹۷۱ در گذشته، چند کتاب از خود به یادگار گذارده که به تازگی جیمز چیس "Chase" از محتوای این کتاب ها و اسناد تازه و یادداشت هایی که به دست آورده یک مجموعه



پیرهای از ترومن

طرح مارشال و وارد کردن آلمان به جامعه این منطقه به فقر و نیز حالت ترس و خصومت پایان داد و باین عمل مقدمه یکپارچه شدن اروپا که سدی در برابر گسترش شوروی شد، فراهم آمد. قرار شد در کوتاه مدت، در جوامع کمونیستی از کمونیست های ملی نظیر تیتو در یوگسلاوی و... در برابر کمونیست های انترناسیونال حمایت شود و...

در حالی که در آمریکا برای سدگسترش کمونیسم شوروی، دکترین پس از دکترین اعلام می شد، در شوروی سران این کشور تلاشی برای بهبود شرایط زندگانی مردم که سبب وفادار ماندن آنها به کمونیسم شود، انجام نمی دادند و همه درآمدها صرف تسلیحات نظامی می شد و از مردم که در جریان جنگ دوم شدیدترین آسیب ها را دیده، و سنگین ترین تلفات را متحمل شده بودند، پی در پی خواسته می شد که باز هم فداکاری کنند و با قناعت بسازند.

همه این برنامه ها با ملی شدن صنعت نفت ایران توسط دکتر محمد مصدق با خطر جدی روبرو شد. زیرا انگلستان نفت ایران را که سهم آن کشور قرار داده شده بود، از دست داد. در چنین شرایطی آمریکا ناچار شد دست آن کشور را در بهره برداری از نفت عراق بازتر بگذارد. مصدق پامنش لیبرال - دمکرات خود که به اصالت دمکراسی وفادار بود، فعالیت حزب کمونیستی توده را که توسط شاه، غیرقانونی و منحل اعلام شده بود، عملاً آزاد کرد.

با ادامه حکومت مصدق امکان به هم پیوستن حلقه های اتحادیه های نظامی ضد شوروی با ایجاد اتحادیه ای از انگلستان، عراق، ایران، ترکیه، و پاکستان وجود نداشت. ولی ترومن با طرح براندازی مصدق چندان موافق نبود. انگلستان در سال ۱۹۵۱ به آمریکا اطلاع داد که می خواهد با توسل به زور، آبادان و حوزه های نفتی ایران را تصرف کند، اما ترومن زیر بار نرفت. زیرا در آن زمان نیروی نظامی متعارف استالین پنج برابر آمریکا (در حقیقت همه غرب) بود و

فراوان پیدا کرده بود. جورج کنان "راه حل مساله را به این صورت ارائه داد و گفت: استالین همانند یک رودخانه است و نمی شود با رودخانه مذاکره کرد که فرضاً طغیان نکند. باید در برابر رودخانه سد ایجاد کرد و آن را تحت کنترل درآورد. استالین به علت افراط در دود کردن سیگار و عصبی مزاج بودن عمر طولانی نخواهد کرد و جانشینان او مردان ضعیفی خواهند بود که با آنها آسان تر می شود مذاکره کرد و احیاناً به سازش دست یافت.

وی برای کاهش توجه مردم به کمونیسم پیشنهاد کرد که آمریکا کنترل اقتصاد جهان را به دست داشته باشد و با دادن کمک های اقتصادی و تسهیلات بازگانی، سطح زندگی مردم، مخصوصاً در کشورهای مورد نظر استالین را بالا ببرد. با تشویق انجام اصلاحات اجتماعی از فاصله غنی و فقیر بکاهد و از دولت هایی که در معرض گسترش کمونیسم هستند مصرانه بخواهد که بر روشنفکران سخت نگیرند و آنان را با رفتار خود ناامید و دلسرد نسازند، زیرا که در هر جامعه ای، چشم و گوش توده ها متوجه روشنفکرانشان است (که نباید این گروه کوچک را به خروش آورد) و بالاخره یافتن یک راه سوم میان کاپیتالیسم و کمونیسم برای این ملتهاست. همان راهی که حزب سوسیال دمکرات آلمان مطرح می کند. این پیشنهادها به مورد اجرا درآمد. شوروی محاصره شد. تخریب چهره کمونیسم با همکاری رسانه ها به ویژه فیلم سازان دوست آغاز گردید که بعداً جانشینان استالین با تجمل پرستی و اشرافی شدن، خود به این تخریب کمک کردند.

به پیشنهاد کنان "آرژانس های آمریکا خواسته شد که به اجرای این برنامه کمک کنند که یاری آنها واقعاً مؤثر افتاد. آمریکا با وارد کردن کالا از ژاپن که در کشورهای دیگر مشتری نداشت، اقتصاد این کشور را احیاء کرد و در نتیجه به فقر مردم که زمینه را برای پذیرش کمونیسم به عنوان آخرین راه حل آماده می کند، پایان داد و با خارج کردن صنایع و منابع غربی بالاجرای

دست کم ۲۰۰ بمب اتمی و از همه مهمتر صدها جنگنده میگ داشت و در بکار بردن آنها مخصوصاً بر سر ایران تردید به خود راه نمی داد.

پیمان سال ۱۹۲۱ تهران و مسکو نیز این مداخله شوروی را مشروع جلوه می داد. انگلستان به خوبی می دانست که در هر جنگ اتمی بین شوروی و آمریکا، اولین نقطه ای را که روسها نابود خواهند کرد، انگلستان خواهد بود. ترومن در تابستان همان سال "اورل هریمن" را برای مذاکره با دکتر مصدق به تهران فرستاد، اما مصدق حاضر به کوچکترین گذشت در برابر انگلستان نشد. هریمن گزارش کرد که مصدق مردی ناسیونالیست و یک دنده است که در زمینه منافع ایران، مطلقاً حاضر به سازش نیست. دکتر مصدق با اطمینان از حمایت ملت، از انگلستان خلع ید کرد و با این کشور که دهها سال در ایران هر کار که می خواست انجام می داد، قطع رابطه کرد.

دکتر مصدق که برای دفاع از منافع ایران در سازمان ملل به آمریکا آمده بود، برای مذاکره با ترومن به واشنگتن آمد. در اینجا بود که دولتمردان آمریکا با دیپلماسی تازه ای که دیپلماسی اشک ریختن و از حال

رفتن است، روبرو شدند، زیرا در مذاکرات، هر جا که لازم بود مستمعین تحت تأثیر مظلومیت تاریخی ایرانیان قرار گیرند، دکتر مصدق شروع به اشک ریختن می کرد و هر زمان هم که هوا را پس می دید و در معرض کوتاه آمدن قرار می گرفت، از حال می رفت و غش می کرد. "آچسن" در یک مورد در این زمینه نوشته است: به استقبال دکتر مصدق رفته بودم، عصایی به دست داشت و به شانه پسرش تکیه زده بود. درست مانند فردی که یاری راه رفتن را ندارد. اما همین که مرا دید چنان شتابان به سوی من به حرکت آمد که غرق در تعجب شدم. وی باین رفتار خود سوژه خوبی برای شبکه های تلویزیونی آمریکا شده، و از طریق آنها به قلب آمریکاییان راه یافته بود. در طول مذاکرات، سعی بر گرفتن کمک مالی از ماداشت تا به اقتصاد ایران که مورد تحریم انگلستان قرار گرفته بود سامان دهد و حتی تلویحاً حاضر شد پس از تجدید فعالیت چاه های نفت به انگلستان بابت لغو قرارداد به نوعی غرامت بپردازد. اگر چه مدعی بود این دولت انگلستان است که بابت سیاست استعماری طولانی خود در ایران باید در صدد پرداخت غرامت برآید. مانع مذاکرات را با دولت لندن در میان گذاشتیم، ولی دولت انگلستان به کمتر از برکناری حکومت دکتر مصدق رضاندا و به اصرار ما که دکتر مصدق میان ملل استعمار زده به صورت نماد و نوید آزادی و استقلال درآمده است و شکست دادن وی اثر روانی ناهنجاری در جهان خواهد داشت تسلیم نمی شد، اما ترومن هم زیر بار براندازی حکومت دکتر مصدق نمی رفت. با این اختلاف نظر، عمر حکومت ترومن در بیستم ژانویه ۱۹۵۳ پایان یافت، استالین ۴۳ روز بعد درگذشت و جنگ ناموفق کره که آمریکا در آن تلفات فراوان داده بود پایان یافت و دولت آیزنهاور در اوت ۱۹۵۳ (کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲) با کمک انگلستان به عمر حکومت مصدق پایان داد و به این ترتیب مسایل نفت و تشکیل اتحادیه نظامی (سنتو) و سرکوب حزب توده (آن طور که مورد نظر غرب بود) حل شد... همان روز که از طرز برکناری دکتر مصدق آگاه شدم، گفتم که برکناری حکومتی که با رأی مردم و به طریقه دموکراتیک روی کار آمده، رسالت ما نبود و در برابر قضاوت تاریخ، دفاعی از خود نخواهیم داشت. اگر استالین پنج سال دیگر زنده مانده بود، دنیا چهره دیگری پیدا می کرد، زیرا استالین خوب می دانست که بدون نفت خاورمیانه، رونق صنعت غرب و ژاپن امکان پذیر نیست و بدون مشارکت آلمان، وحدت اروپای غربی عملی نخواهد بود. بنابراین هر دو راه هدف قرار می داد و وسیله اجرای تصمیم خود را هم در اختیار داشت و پیش از آن که تکنولوژی پیشرفته، وسایل تبلیغ را در انحصار غرب قرار دهد، استالین مردم جهان را به قبول هر نوع سوسیالیسم که مستعد آن

باشند، تشویق کرده بود.

آچسن در جای دیگر درباره ایران گفته است که جان اف - کندی در واشنگتن به شاه توصیه کرد نظر به این که ایران در همسایگی شوروی قرار دارد، برای این که مردم کشورش تحت تأثیر تبلیغات کمونیست ها قرار نگیرند، دست به اصلاحات داخلی بزند تا حقوق مدنی مردم مراعات شود و به سوی دموکراسی واقعی و توزیع عادلانه ثروت گام بردارد که شاه با تفسیر و تعبیر نادرست این توصیه، تحت عنوان انقلاب سپید (انقلابی بدون ریخته شدن خون) دست به نوعی اصلاحات ارضی زد که با بر هم خوردن نظام سنتی کشاورزی در ایران به تولیدات کشاورزی این کشور آسیب شدیدی وارد آمد و مهاجرت به شهرها و تمرکز سرمایه در امور خدمات آغاز شد...



آورل هریمن در کنار استالین

مؤلف در نتیجه گیری خود آورده است که آچسن که تا دم واپسین، طرف مشورت سران آمریکا قرار می گرفت، با مداخله آمریکا در مسأله ویتنام و هرگونه درگیری با چین بر سر تایوان مخالف بود.

این کتاب روی نوار در اختیار کتابخانه های عمومی ممالک انگلیسی زبان قرار گرفته است. سالخوردهگان و اتومبیلرانان، مشتریان عمده این نوع کتاب و کتاب های CD هستند. طبقه تحصیلی کرده امروزه به جای موزیک، هنگام رانندگی و یا حالت استراحت به کتابهای یوئوتویی (روی نوار ضبط صوت) گوش می کنند. کتاب های خاطرات، نظیر خلاصه شده کتاب بالا، بزرگترین تیراژ را میان کتب غیر داستانی دارند.

دولت من بر ضد من

دکتر هو لی "Ho Lee" دانشمند اتمی چینی تبار آمریکایی دو سال پیش به اتهام جاسوسی برای چین ۹ ماه در زندان بود، ولی دادگاه وی را از این اتهام تبرئه و خطای او را "بی احتیاطی" در حفظ اسرار کارش شناخت و آزاد شد. وی اخیراً با کمک بانو "هن ضیاء"، روزنامه نگار، خاطرات خود را تحت عنوان "دولت من بر ضد My country Versus Me" نوشته و برای انتشار به شرکت نشر "های پریون بوکر" Hyperion Books واگذار کرده است.

قرار است این کتاب در اکتبر (مهرماه) انتشار یابد. دکتر لی "این بار، من باب احتیاط، دستنویس کتاب خود را به مقامات دولت آمریکا تسلیم کرده تا احیاناً بعداً متهم نشود که خواننده را به درون "لاس آلاموس" - Alamos Los زادگاه سلاح های اتمی آمریکا - برده و اطلاعات طبقه بندی شده را افشا کرده است؛ زیرا او مجبور بوده در خاطرش از این بابت از خود دفاع کند که چرا کد های سلاح های هسته ای را به رایانه محافظت نشده اش منتقل کرده بود تا به همین بهانه او را در سال ۱۹۹۹ به ۵۹ مورد جاسوسی متهم کنند.

دکتر لی "می نویسد: چون اطمینان داشته ام که در آمریکا، دولت نمی تواند از انتشار کتابم به دلیل این که قانون اساسی، آزادی بیان را تضمین کرده و "سانسور" وجود ندارد، جلوگیری کند، دستنویس را داوطلبانه برای ملاحظه تسلیم کردم تا پس از انتشار مورد اتهام تازه ای قرار نگیرم. ولی دوباره دچار "س" و "ج" شده ام که، مثلاً آیا کسی دیگر هم این دستنویس را قبلاً خوانده است؟

لی "نگران آن است که درگیر جنگ دیگری با دولت در دادگاه شود؛ زیرا که تصمیم دارد در تاریخ اعلام شده کتاب را به توزیع بدهد و از آن بیم دارد که اگر قبل از چاپ، اشاره بلامانع را دریافت ندارد، پس از انتشار دوباره او را به دادگاه بکشانند.

دکتر لی "در این خاطرات؛ خود را قربانی تبعیض نژادی خوانده و استدلال کرده که به دلیل چینی تبار بودن و وجود رقابت تسلیحاتی میان آمریکا و چین، وی را بازداشت و زندانی کرده بودند. او می گوید: بدیهی است که دستنویس را ادیو تور (ویراستار) آن - بانو ضیاء - و ناشر خوانده اند و سوال مقامات بی مورد است و مرا دچار این نگرانی کرده که حتی پیش از انتشار کتاب ممکن است متهم شوم.

چرا عراق شکست خورد؟

به مناسبت یازدهمین سالروز تصرف کویت به وسیله ارتش عراق، کتاب تازه ای انتشار یافته که سپر و شمشیر "Shield and sword" عنوان دارد و مولفانش "مارولدال Maroldal" و "شنلر" Schneller استادان تاریخ نظامی هستند. آنها ضمن تشریح چگونگی جنگ در ۵۱۷ صفحه با عکس، ثابت کرده اند که این، نخستین جنگ در تاریخ بشر بود که نیروی هوایی - موشکی (حمله از هوا) برنده آن شد و به این ترتیب فرضیه های قبلی نظامی که بر نیروی زمینی تکیه داشت تا حدی کم اعتبار شده است. این جنگ، به نوشته مولفان، نیروهای آمریکایی را که برای جنگ با شوروی آموزش دیده بودند، برای جنگ های محدود و منطقه ای آماده ساخت.

تصرف کویت به وسیله ارتش عراق در دوم اوت سال ۱۹۹۰ (یازده سال پیش) مسأله ای است که هنوز حل نشده است.

تأنجا که می توانست در طرفین پیشروی می کرد که در این صورت نه تنها جبهه وسعت پیدا می کرد بلکه جای نزدیک و آسان برای استقرار نیروهای اعزامی آمریکا و سایر کشورها (که اولین دسته آنها شش روز پس از تصرف کویت وارد کشور سعودی شدند) به دست نمی آمد.

سران عراق وقتی که خود را در بن بست دیدند، هنوز فرصت تخلیه کویت را بدون جنگ و یا تلفات بسیار کمتر داشتند و در مورد ترس از ادامه تحریم نیز کار بدتر از امروز نمی شد.

حمله نظامی به موقع یک هنر است و صلح یا عقب نشینی ضروری هنری دیگر. اشتباه دیگر این بود که جنگ را به داخل شهر کویت نکشاندند و آن را به "استالینگراد" تبدیل نکردند، زیرا نیروهای آمریکا آمادگی جنگ شهری را نداشتند و...

درهم ریختگی نگرانی آور در دنیای خبر

پروفسور فیلیپ سیب Philip Seib استاد روزنامه نگاری دانشگاه مارکت Marquette آمریکایی این ماه کتاب تازه ای تحت عنوان - (Going Live) اصطلاحاً به معنای انتشار خبر بدون فوت وقت (زنده، یا اینترنتی) - منتشر کرده که همزمان در کشورهای انگلیسی زبان توزیع شده است.

وی در کتاب خود اظهار نگرانی کرده که سرعت در خبررسانی دارد دقت را که لازمه کار خبر است از میان می برد و اگر یک اقدام همگانی صورت نگیرد، مردم به دلیل تکذیب های پیاپی و توضیحات بعدی درباره "خبر" نسبت به هر چه که نامش "خبر" است، بی تفاوت خواهند شد و حرفه روزنامه نگاری ممکن است مجبور به عقب نشینی شود.

پروفسور "سیب" نوشته است که تقریباً همه روزنامه ها و مجلات عمومی (غیر تخصصی) چاپ اینترنتی هم دایر کرده اند که لحظه به لحظه خبرهای به اصطلاح تازه را به "سایت" خود اضافه می کنند تا از رادیو-تلویزیون ها که قادرند اخبار نو و مهم را با قطع برنامه عادی خود و یا سر هر ساعت پخش کنند، عقب نیفتند. به علاوه، بسیاری از روزنامه هادر سایت خود در اینترنت، اخبار را به صورت "صوت" و تصویر هم پخش می کنند و در برابر، شبکه های تلویزیونی در سایت خود، اخبار را به صورت کتبی نیز ارائه می دهند. پس، هر دو نوع وسیله اطلاع رسانی، در اینترنت به یک صورت و مشابه یکدیگر عمل می کنند. این رقابت، دقت را قربانی کرده و این تداخل، رسالت روزنامه را به باد داده است.

کار روزنامه بررسی و کشف جزئیات رویداد با دقت و امانت هر چه تمام تر است. به گونه ای که برای خواننده جای کوچک ترین سوال باقی نگذارد.

جنگ، روز ۱۷ ژانویه با حملات هوایی و موشکی آمریکا آغاز شد و روز ۲۷ فوریه پس از ۴۱ روز با شکست عراق پایان یافت و به این ترتیب فرمانروایی عراق بر کویت شش ماه و ۲۵ روز طول کشید.

با وجود عقب نشینی عراق از کویت، تحریم آن کشور به علت پافشاری آمریکا و انگلستان ادامه دارد و این دو کشور (بدون رای شورای امنیت) در شمال و جنوب عراق دو منطقه پرواز ممنوع نیز اعلام کرده اند که "خطر" در همین جاست. مسایل مرزی عراق و کویت همچنان حل نشده باقی مانده اند، اما مذاکرات اخیر شورای امنیت نشان داد که روسیه و چین در صدد جبران مافات برآمده و جانب عراق را گرفته اند.

دو روز مانده به پایان جنگ عراق، پیمان ورشو



صحنه ای از جنگ ویرانگر عراق علیه ایران

خود را منحل کرد و عمر شوروی هم پس از آن چندان نپایید. در جریان جنگ آمریکا با عراق، بسیاری از کشورهای عربی از جمله مصر و سوریه برای جنگ با عراق به کشور سعودی نیرو فرستاده بودند! در سال های اخیر با صدور نفت عراق به میزان محدود زیر نظر سازمان ملل موافقت شده که هدف از آن عمدتاً پرداخت غرامت به شاکیان از عراق بوده است که در جریان حمله عراق، در کویت سرگردان شده و یا آسیب دیده بودند و نیز حفظ موازنه نفت در بازار و جلوگیری از افزایش قیمت آن.

مولفان سایر کتاب ها که قبلاً انتشار یافته اند، شکست سریع عراق را نتیجه اشتباه های استراتژیک و تاکتیکی این کشور می دانند که اولاً در زمان نادرستی دست به حمله به کویت زد - زمانی که شوروی و پیمان ورشو در نهایت ضعف و در آستانه افول بودند و به صداقت سران آنها نمی شد اطمینان کرد. ثانیاً صدام نمی بایستی به اطمینانی که سفیر آمریکا در بغداد به او داده بود که این کشور در برخوردهای مرزی دو کشور مداخله نمی کند، اعتماد می کرد (زیرا این وعده، در حقیقت یک دام بود)، از لحاظ تاکتیکی، چون میدان جنگ، صحرا بود و پیروزی در جنگ صحرا با طرفی است که اسلحه برتر دارد، پس از تصرف کویت، عراق بایستی

عملیات نظامی عراق برای تصرف کویت کمتر از یک شبانه روز طول کشید. امیر کویت پیش از ورود نیروهای عراقی به پایتخت او، به کشور سعودی فرار کرده بود. بهای نفت در بازارهای بین المللی از لحظه تصرف کویت رو به افزایش گذارد و ظرف پنجاه روز به بشکه ای ۴۰ دلار رسید. چهار روز پس از تصرف کویت که دولت عراق از لحظه استقلال یافتن که قبلاً تحت الحمایه انگلستان بود، مدعی مالکیت آن بوده است، شورای امنیت سازمان ملل تحریم عراق را بدون این که هیچ یک از پنج قدرت بزرگ مخالفت کنند، تصویب کرد.

این نخستین بار نبود که عراق در صدد تصرف کویت برآمده بود. ژنرال عبدالکریم قاسم - رهبر عراق در زمان اعلام استقلال کویت - تصمیم به تصرف آن از طریق اعزام نیروی مسلح گرفته بود، اما با تهدید انگلستان و اعزام نیروهای انگلیسی به کویت رو به رو شد.

عراق روز هشتم اوت، کویت را رسماً ضمیمه خاک خود کرد. نخستین دسته نیروهای آمریکایی در ششمین روز تصرف کویت توسط عراق وارد کشور سعودی شد و این لشکر کشتی ادامه یافت. بیست و دوم اوت، دولت آمریکا نیروهای ذخیره خود را به خدمت احضار کرد، زیرا ژنرال شوارتسکف (متولد در ایران) فرمانده نیروهای آمریکایی مأمور اخراج عراق از کویت، اعلام کرده بود که به چهارصد تا پانصد هزار سرباز نیاز دارد و برآورد او مورد تأیید ژنرال "کولن پاول" رییس ستاد مشترک (وزیر خارجه فعلی آمریکا) قرار گرفته بود.

روز ۲۶ اوت، آمریکا با فروش شش میلیارد دلار اسلحه به کشور سعودی موافقت کرد! و چند روز بعد، امیر کویت موافقت کرد که بابت هزینه لشکرکشی آمریکا پنج میلیارد دلار به این کشور خواهد پرداخت که بعداً این مبلغ افزایش یافت و سعودی ها هم به آن پیوستند. نهم سپتامبر، گورباچف رهبر وقت شوروی - کشوری که با عراق پیمان دوستی متقابل داشت - در هلسنکی به بوش، رییس جمهور وقت آمریکا (پدر رییس جمهوری کنونی) قول داد که از هر اقدام این کشور بر ضد عراق جانبداری خواهد کرد!!!

روز ۲۵ سپتامبر، "شوارتسکف" وزیر خارجه شوروی (رییس جمهوری کنونی گرجستان) در جلسه شورای امنیت از محاصره دریایی و هوایی عراق جانبداری کرد. روز ۲۹ نوامبر شورای امنیت سازمان ملل به عراق تا ۱۵ ژانویه سال ۱۹۹۱ (۴۷ روز) مهلت داد که کویت را تخلیه کند و در غیر این صورت با زور از کویت اخراج خواهد شد.

پس از جنگ کره، این نخستین بار در تاریخ سازمان ملل بوده که شورای امنیت آن، رای به جنگ داده است.